

زندگینامه مختصر معراج الدین پټان، یکتن از خدمتگزاران صادق وطن

معراج الدین پټان بسال ۱۳۳۳ هجری شمسی در قریه سرخ گل ولسوالی خاخی ولایت پکتیا چشم به جهان گشود. او تعلیمات ابتدایه و متوسطه خود را در لیسه عالی حبیبیه به سر رسانید. او بعداً به ایالات متحده امریکا سفر کرده و تحصیلات عالی خود را در آنجا اتمام نمود.

او در امریکا بود، که استعمار روس به کشور ما افغانستان تجاوز نمود. وی برای اینکه دین خود را در برابر مادر وطن ادا کرده باشد، کشور ایالات متحده امریکا را به هدف جهاد ترک کرد. او در طول جهاد در ولایات مختلف در قیام مقدس ملی سهم گرفته و در این ولایات به تربیه شاگردان دست زد. او در آنزمان در خدمت کشور و مردم قرار داشت، بدون آنکه به قیمت کردن نهادن در برابر مناسبات کثیف دنبال شهرت و قدرت بگردد.

او دایماً از درک عقب ماندگی مردم و کشور خود رنج میبرد و همیشه تلاش میورزید که مردم، بخصوص جوانان را به تحصیل دانش تشویق نماید. او در همانزمان جهاد به ابتکار خود، که دشمنی با تعلیم از جانب خارجی ها و کشورهای همسایه دامن زده میشد و مکاتب و مراکز تحصیلی را آتش میزدند، در قریه شان مکتب پسران را بنا نمود، که معاش معلمین را نیز در ابتدا از پول شخصی فامیلش می پرداخت و بعداً هم قریه های او از خارج در این زمینه سهم گرفتند. در دوره حاکمیت طالبان وی همچو ابتکاری را براه انداخت، که هم قریه های او آماده شدند، دختران قریه را به مکتب بفرستد. او معاش معلمین را به این شرط اضافه نمود، که آنها پسران را تشویق نمایند، که هر آن چه یاد گرفته اند در خانه های خود به همشیره های شان یاد بدهند. در نتیجه این کار دختران نماز و فرایض دینی را بدرستی آموختند و در زندگی آنها تغییر مثبت رونما گردید. این مسئله سبب شد، که همقریه ها متوجه تاثیر مثبت تحصیل بر دختران گردیده و آماده کردند، تا دختران شان را به مکتب بفرستند. در پکتیا قریه وی اولین قریه ای بود، که مکتب دختران حتی در زمان حاکمیت طالبان فعال باشد. بعد در نتیجه رقابت مثبت با قریه او در تمام قریه های ولسوالی مکاتب دختران ساخته شد.

در طول جهاد او به مصرف شخصی خود آثار نویسندگان، شاعران و دیگر فرهنگیان را بدست نثر می سپرد و آنها را به خانه خود مهمان میکرد و همیشه تشویق شان میکرد، تا به نوشتن و یا ترجمه آثار علمی، تاریخی، ادبی و هنری دست بزنند. در مقدمه بعضی از این آثار از اوشان بدون آنکه خود او را در جریان بگذارند، اظهار امتنان صورت گرفته است. وی هیچگاه خود طرفدار ذکر نام خود و شهرت نبود.

وقتی او در خوست والی شد، مامورین و بازاریان ساعت یازده بر سر کار و کسب می آمدند و باز ساعت دو از ترس ظلم تفنگسالاران دوباره به خانه های شان برمی گشتند. جنگسالاران در خوست از دکانداران و سوداگران گوشت، نان و مال های دیگر را به زور میگرفتند، بدون آنکه قیمت آن را بپردازند. اما زمانیکه او در آنجا والی شد، زورگویان جنایتکار را طوری کوبید، که کسانی مجبور به غریبکاری و کسانی هم مجبور به فرار از منطقه شدند. او برای حمایت از توده های بیچیز خوست زیاد تلاش ورزید. او در خوست مکاتب، کلینک ها و یک پوهنتون بزرگی به کمک دولت امارات متحده عربی بنا نمود. او در مدت کمی حمایت مردم خوست را بدست آورد. ببرکت این حمایت در مدت تقریباً سه سال ولایت او تروریستان نه تنها نتوانستند، که پیشرفت نمایند، بلکه تقریباً در تمام ولسوالی ها مجبور به عقب نشینی شدند. اما در پایان داره های جنایکاران جنگی و دزدان دسیسه ها براه انداختند و دسته دسته برای بدنام نمودن او نزد رئیس جمهور کرزی رفتند و دولت او را بالاخره از وظیفه اش برکنار نمود.

بعد دولت او را در ولایت خطرناک و پیچیده غزنی به حیث والی گماشت. طوری که گفته میشود، بعضی از جنگ سالاران از روی استهزاء میگفتند، که اینجا روشن خواهد شد، که امنیت آوردن ناممکن است. اما وقتی او در ولایت ادب پرور و عرفانی غزنی هم والی شد، روزی را بنام روز عرفان نام گذاری نمود و از تمام عرفای اسلام تجلیل بعمل آورد. در عرصه اعمار مجدد پلان های بزرگی را روی دست گرفت، که تا امروز همچنان روی آنها کار میشود و یادگاری های مانند پارک زیبای سنایی، سرک های پخته، مکاتب ماندگار و کتابخانه های زیادی را به یادگار گذاشت. در غزنی از وی پیوسته به نیکی یاد میشود و یاد خواهد شد و این بزرگترین دست آورد کسیست که در ایام زمامداری خود هیچ تفاوت بین فقیر و غنی، شیعه و سنی، فارسی زبان و پشتو زبان و همچنان بین مسلمان و هندو نگذاشت.

او به روی مردم دست ترحم و رفاقت کشید و در مدت بسیار کم حمایت مردمی را بدست آورد. پس از او هر کسی در غزنی والی مقرر شد، نتوانست امنیت را نه تنها در سطح او نگهدارد، بلکه اوضاع بسیار زیاد خراب و بحرانی شده و تا امروز اوضاع بیشتر از پیش رو به خرابی می رود .

مرگ امر حتمیست و هیچ کس از این امر نجات یافته نمی تواند، اما مرگ همه انسانان همسان نمی باشد. آنکسی که زندگی اش در خدمت مردم و وطن بگذرد، مرگش سنگین تر از کوهها می باشد و آنکه توده ها را برنجاند و به وطن خیانت نماید، مرگش سبک تر از پر قومی باشد.

در کشور ما مناسفانه معیارها تغییر یافته است، به این دلیل او قهرمان نبود، چرا که او نه جنایت کرده بود، نه انسانان را به قتل رسانده بود و نه هم منافع ملی را پایمال کرده بود، بل برعکس به مردم خدمت کرده و از منافع وطن محکم و بدون هراس دفاع کرده بود .

روحش شادویادش گرامی باد!

پایان

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ